

نقش اخلاق در حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار جغرافیایی (مطالعه موردی: استان مازندران)

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

استادیار، هیئت علمی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

چکیده

محیط زیست نقش حیاتی برای ادامه حیات بشر دارد و بایستی با همه امکانات از آن محافظت کرد. در ایران راهکارهای حقوقی و نیز برخوردهای قهری نتوانسته است از تخریب محیط زیست جلوگیری کند به نحوی که آمارها حاکی از وضعیت نگران کننده تخریب محیط زیست در ایران است. استان مازندران از غنی ترین منابع محیط زیستی ایران است اما از نظر تخریب محیط زیست در وضعیت قرمز قرار دارد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا چارچوب‌های اخلاقی می‌توانند به حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار جغرافیایی در استان مازندران کمک کنند؟ روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که اخلاق و چارچوب‌های اخلاقی مبتنی بر اسلام و مذهب تشیع و تلاش برای استخراج و آموزش آموزه‌های اخلاقی حفاظت از محیط زیست می‌تواند ضمانت اجراهای درونی را برای حفظ محیط زیست فراهم کند و از طرف دیگر نیز با توجه به حاکمیت نگاه توسعه بر سیاست‌گذاری‌های دولتی و دغدغه ایجاد شغل و توسعه همه جانبه اقتصادی بی‌شک بهترین روش حفاظت از محیط زیست توانمند کردن خود مردم از طریق تقویت مبانی اخلاقی است.

واژگان کلیدی: اخلاق، توسعه پایدار جغرافیایی، استان مازندران، حفظ محیط زیست.

مقدمه

حفاظت محیط زیست به هرگونه عملیاتی که برای نگهداری محیط زیست یا جلوگیری از تخریب آن صورت می‌گیرد، گفته می‌شود. حفاظت از محیط زیست، عبارت است از تلاشی که به منظور حفظ سلامتی محیط و انسان‌ها، در سطوح شخصی، سازمانی یا دولتی، از محیط طبیعی محافظت می‌کند. با توجه به رشد جمعیت و تکنولوژی، محیط بیوفیزیکی گاهی اوقات نادیده گرفته می‌شود (Papeli Yazdi and Saghaei, 2002). این موضوع باید به رسمیت شناخته شود و دولت‌ها باید محدودیت‌هایی علیه فعالیت‌های تخریب محیط زیست ایجاد کنند. از سال ۱۹۶۰، جنبش‌های فعال زیست محیطی ایجاد شده‌اند که از مسائل مختلفی در این زمینه اطلاع دارند (Rowlin, 2005). هیچ توافقی در مورد میزان اثر فعالیت‌های انسانی بر روی محیط زیست وجود ندارد و اقدامات حفاظتی گاهی مورد انتقاد قرار می‌گیرند. مؤسسات علمی اکنون دوره‌های آموزشی را پیشنهاد می‌دهند، مثل مطالعات زیست محیطی، مدیریت محیط زیست و مهندسی محیط زیست که تاریخچه و روش‌های حفاظت از محیط زیست را آموزش می‌دهند. حفاظت از محیط زیست احتیاج به توجه، به فعالیت‌های مختلف انسانی دارد. تولید زباله، آلودگی هوا و از بین رفتن تنوع زیستی (ناشی از معرفی گونه‌های مهاجم و گونه‌های در حال انقراض) بعضی از موارد مرتبط با حفاظت محیط زیست هستند (Abedi Sarvestani and Shah Vali, 2009). حفاظت از محیط زیست تحت تأثیر سه فاکتور در هم آمیخته است: قوانین زیست محیطی، اخلاق و آموزش و پرورش. هر کدام از این سه فاکتور، هم در سطح تصمیمات بین‌المللی و هم در سطح ارزش‌های رفتاری و شخصی، بر محیط زیست تأثیر می‌گذارند. برای اینکه حفاظت از محیط زیست به واقعیت تبدیل شود، مهم است که جوامع، در این زمینه‌ها پیشرفت کرده و تصمیمات زیست محیطی را اتخاذ کنند (Abedi Sarvestani and Shah Vali, 2009).

محیط زیست بستری برای توسعه پایدار کشور به شمار می‌رود که بدون حفظ آن ادامه پیشرفت اقتصادی و زندگی بشر امکان‌پذیر نیست. از این رو لازم است تا با تغییر نگرش افراد، مسئولان و متولیان امر و با برنامه‌ریزی اصولی و جامع در جهت حفاظت و نگهداری از آن کوشید. توسعه پایدار باید علاوه بر پاسخگویی به نیازهای کنونی جوامع بشری نیازهای نسل‌های آتی را به مخاطره نیندازد (Abedi Sarvestani, 2008)؛ بنابراین همان‌گونه که عرض نمودم توسعه پایدار در برگزیده مردم، روابط اجتماعی، اجتماع، ارتقاء کیفیت زندگی، رشد اقتصادی، عرصه‌های زیستی و محیط طبیعی است. در حقیقت توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است. از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی الگویی برای توسعه نوین مطرح گشت و توسعه پایدار کاربرد وسیعی در برنامه‌ریزی‌های جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی پیدا نمود. دو کنفرانس بزرگ جهانی، ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ و ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۲ اعلام نمودند هرگونه توسعه شهری و صنعتی باید به گونه‌ای صورت پذیرد که کمترین آسیب به سیستم‌های اکولوژیک وارد نشود (Abedi Sarvestani et al. 2007). توسعه پایدار مخالف توسعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نمی‌باشد بلکه به دنبال ارتقاء کیفیت و کمیت سطوح زندگی انسانی است. توسعه پایدار تلفیقی از توسعه، حفاظت و صیانت است و بر تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان‌ها و دستیابی به عدالت

اجتماعی تکیه دارد. انسان علاوه بر آنکه شایسته زندگی سالم و مناسب است، محور توسعه پایدار نیز می‌باشد لذا تخریب محیط زیست، نابود کردن گونه‌های طبیعی، گیاهی و جانوری؛ نابودی زندگی بشری را در پی خواهد داشت و به قول توماس فریدمن، ستون نویس روزنامه نیویورک تایمز، «طبیعت» اهل سیاست نیست (Mardia et al. 1997). فقط قوانین فیزیک، زیست و شیمی را می‌داند و اگر این مردم مسیرشان را اصلاح نکنند، تمام‌شان را نابود می‌کند. بحث در مورد حفاظت محیط زیست اغلب روی نقش دولت‌ها، مجلس و اجرای قانون تمرکز می‌کند. هر چند، در مفهوم گسترده، حفاظت محیط زیست وظیفه همه مردم است نه فقط دولت. بحث‌های مربوط به محیط زیست شامل طیف گسترده‌ای از ذی نفعان شامل صنعت، گروه‌های بومی، گروه‌های محیطی و نمایندگان جامعه می‌باشد (Abaidoo, 1997). تصمیمات گرفته شده برای حفاظت محیط زیست بازتاب این طیف گسترده از ذی نفعان هستند و در بیشتر کشورها مشترک می‌باشند. بسیاری از قوانین، حقوقی اساسی برای حفاظت از محیط زیست وضع می‌کنند و بسیاری از معاهدات بین‌المللی حق زندگی در محیط سالم را قائل‌اند. همچنین، بسیاری از کشورها، سازمان‌ها و آژانس‌هایی دارند که به حفاظت از محیط زیست اختصاص داده شده‌اند (Abedi-Sarvestani and Shahvali, 2008a). در برنامه محیط زیست سازمان ملل، بخش حفاظت از محیط زیست بین‌المللی وجود دارد. اگرچه حفاظت از محیط زیست تنها وظیفه آژانس‌های دولتی نیست اما این مراکز، در ایجاد و حفظ استانداردهای بنیادی حفاظت از محیط زیست و تعامل آن با مردم، اهمیتی اساسی دارند. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا چارچوب‌های اخلاقی می‌توانند به حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار جغرافیایی در استان مازندران کمک کنند؟ روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است.

رویکرد نظری

واژه sustain به معنای پایدار می‌باشد و همچنین در فارسی به معنای حیات، زنده نگه‌داشتن، استمرار و آنچه که می‌تواند در آینده تداوم داشته باشد، است. یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده که معانی متفاوت و بسیاری دارد، در نتیجه فراوانی این معانی، صاحب‌نظران واکنش‌های فراوان و متفاوتی را در این حیطه ارائه کرده‌اند (Abedi-Sarvestani and Shahvali, 2008b). مفهوم توسعه پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌هایی از موضوعات محیطی در کنار موضوعات اجتماعی-اقتصادی می‌باشد. توسعه پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر است. این مسئله با دیدگاه دو قرن گذشته انسان که بر پایه جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود در تضاد است. در دو قرن گذشته، این تصور حاکم بود که محیط به‌طور عمده به عنوان یک عامل خارجی و تنها برای استفاده و استثمار انسان در نظر گرفته می‌شد (Burton, 1972). در این دیدگاه، ارتباط انسان و محیط، به صورت غلبه انسان بر طبیعت بوده و بر این باور استوار بود که دانش و فناوری بشر می‌تواند بر تمام موانع محیطی و طبیعی برتری یابد. این دیدگاه مرتبط با توسعه سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی و علم مدرن می‌باشد. همان‌طور که بیکن یکی از پایه‌گذاران علم مدرن، آن را مطرح می‌کند: جهان برای بشر ساخته می‌شود و نه بشر برای جهان. دیدگاه مدیریت محیطی بر پایه مدیریت منابع

طبیعی بود که تصدیق می‌کرد، بشر نیاز به منابع طبیعی دارد و این منابع می‌بایست به جای استفاده سریع و بدون برنامه، به درستی مدیریت شوند تا حداکثر استفاده از آنها طی سالیان طولانی میسر گردد (Nerlove (editors)). توسعه پایدار^۱ مفهومی است که به واسطه پیامدهای منفی محیط زیستی و اجتماعی ناشی از رویکردهای توسعه یک جانبه اقتصادی بعد از انقلاب صنعتی و تغییر نگرش بشر به مفهوم رشد و پیشرفت پدید آمده است. این مفهوم تلاش دارد که با نگاهی جدید به توسعه، اشتباهات گذشته بشری را تکرار نکند و توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن را رقم بزند. توسعه پایدار فرایندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد (Carroll and Chang, 1970). توسعه پایدار راه‌حلی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. توسعه پایدار فرایندی است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی، با نیازهای حال و آینده سازگار باشد (Carroll, 1972). توسعه پایدار که از دهه ۱۹۹۰ بر آن تأکید شد جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط زیست و نسل‌های آینده است. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسانی محسوب می‌شود. توسعه پایدار به عنوان یک فرایند در حالی که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد (Collins, 1980). توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی اکولوژیکی. توسعه پایدار فرایندی است برای به دست آوردن پایداری در هر فعالیتی که نیاز به منابع و جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد. توسعه پایدار در کنار رشد اقتصادی و توسعه بشری در یک جامعه یا یک اقتصاد توسعه یافته، سعی در تحصیل توسعه مستمر، و رای توسعه اقتصادی دارد (Correa Etal. 1993).

واژه اخلاق از نظر لغوی جمع خُلُق به معنای خوی، طبع، سنجیه و عادت است، اعم از این که آن سنجیه و عادت نیکو باشد یا زشت و بد. دانشمندان علم اخلاق و فیلسوفان برای اخلاق تعاریف متعددی بیان کردند. تعریفی که از میان تعریف‌های دانشمندان اسلامی می‌توان جمع‌بندی نمود عبارت است از: اخلاق کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند (De Pau la and Cavalcant, 2000). برای علم اخلاق نیز تعریف‌های متعددی بیان شده است و از جمله آن تعریفی است که مرحوم نراقی نموده است: وی در جامع السعادات می‌گوید: علم اخلاق دانش صفات (ملکات) مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رهایی از صفات هلاک کننده است. در مورد جامعیت بین اخلاق و علم اخلاق گفتنی است؛ تفاوت

^۱. Sustainable development

آن دو تنها در صحنه نظریه پردازی و عملکرد بوده و بر این اساس، سخن از جامعیت هر کدام نسبت به دیگری معنایی نخواهد داشت (Donald and Cooper, 2001).

دانشمندان علم اخلاق برای اخلاق معانی متعددی ارائه نمودند: الف- برخی آن را ملکه‌ای نفسانی دانسته‌اند که مقتضی صدور کارها از انسان بدون نیاز به فکر و اندیشه است. ب. برخی نیز اخلاق را تنها بر فضایل اخلاقی اطلاق می‌کنند و آن را در مقابل ضد اخلاق به کار می‌برند و گاهی نیز به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار می‌رود (Dunlap and Van Liere, 1978)؛ بنابراین معانی اصطلاحی متفاوتی برای اخلاق بیان شده است که جمع دقیق آن ممکن نیست، اما می‌توان اخلاق را در اصطلاح دانشمندان اسلامی، به گونه‌ای جمع‌بندی کرد که نسبتاً جامع بین آن‌ها باشد و آن عبارت است از: اخلاق، کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند؛ یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب و اگر بد باشد کارهای بد صورت می‌گیرد؛ پس اخلاق به اخلاق حسنه، خوب، اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌شود. این کیفیت نفسانی ممکن است به صورت غیر راسخ و یا به شکل ملکه در آید (Garson, 2007).

برای علم اخلاق نیز تعاریف متعدّد و مختلفی ذکر شده است. عالمان اسلامی و غربی تعریف‌هایی برای علم اخلاق ارائه کرده‌اند: برخی علم اخلاق را علم چگونگی اکتساب اخلاق نیکو دانسته‌اند که بر اساس آن، افعال و احوال شخص نیکو می‌شود. برخی نیز آن را علم چگونگی زیستن خوانده‌اند (Hatcher, 2004). برخی بر اساس همان معنای لغوی اخلاق به تعریف علم اخلاق پرداخته‌اند. به عنوان مثال علم اخلاق به علم آگاهی و اطلاع از عادات و آداب و سجایای بشری تعریف شده است. همچنین مرحوم نراقی در جامع السعادات می‌گوید: علم اخلاق دانش صفات (ملکات) مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رهائی از صفات هلاک‌کننده است (Kortenkamp and Moore, 2001). با توجه به کتاب‌های اخلاقی؛ چون جامع السعادات، معراج السعاده و... می‌توان گفت که علم اخلاق از دیدگاه دانشمندان اسلامی، علمی است که از انواع صفات خوب و بد بحث کرده، آن‌ها را مورد شناسایی و تعریف و تبیین قرار داده، کیفیت اکتساب صفات خوب و فضایل را و نیز چگونگی زدودن صفات رذیله را بیان کرده است؛ بنابراین، موضوع علم اخلاق عبارت است از: صفات خوب و روش کسب آن‌ها و صفات بد و راه زدودن آن‌ها؛ این صفات خوب و بد از آن جهت که با افعال اختیاری انسان مرتبط هستند در علم اخلاق مورد نظر می‌باشند (Kroemker and Mosler, 2002). غایت علم اخلاق رساندن انسان به کمال و سعادت جاودان و منزل مقصودی است که برای رسیدن به آن خلق شده است. چنان که بیان شد علم اخلاق یکی از شعبه‌های فلسفه به معنای عام آن بوده است (Thompson and Barton, 1994). اخلاق عبارت است از: روش و منش چه نیک و چه بد و علم اخلاق؛ یعنی دانش به این روش‌ها و منش‌ها و این که کدامشان باید مورد عمل قرار گیرد و به عبارتی تفاوت اخلاق و علم اخلاق، تنها در صحنه نظریه پردازی و عملکرد بوده و بر این اساس، سخن از جامعیت هر کدام نسبت به دیگری معنایی نخواهد داشت (Leutner and Weinsier, 1991).

محیط مورد مطالعه

استان مازندران در شمال کشور جمهوری اسلامی ایران و با وسعتی معادل ۴ ۲۳۷۵۶۷ کیلومتر مربع حدود ۴۶۱ درصد از مساحت کشور را در بر داشته و هجدهمین استان از این حیث در کشور محسوب می‌گردد (Papeli Yazdi et al. 2002).



نقشه ۱: موقعیت استان مازندران

Source: (https://filecade.com)

دریای خزر در شمال، استان‌های تهران و سمنان در جنوب و استان‌های گیلان و گلستان به ترتیب در غرب و شرق استان قرار دارند. مازندران بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای ۲۲ شهرستان ۵۸ شهر، ۵۵ بخش، ۱۲۹ دهستان و ۳۶۹۷ آبادی می‌باشد. بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر استان مازندران شهر ساری است که قدمتی در حدود ۶۰۰۰ سال را داراست، همچنین پرجمعیت‌ترین شهرستان استان مازندران شهرستان بابل با جمعیتی بیش از ۵۳۰ هزار نفر است.

جدول ۱: آمار استان مازندران

جمعیت: ۳۰۷۳۹۴۳ نفر	مساحت: ۲۳۸۴۱۰۶۴ کیلومتر مربع
متوسط رشد سالانه: ۱۰۰۲ درصد	تعداد شهرستان: ۲۹
سهم از جمعیت کشور: ۴۰۰۹ درصد	تعداد بخش: ۵۰
میزان شهرنشینی: ۵۴۰۷ درصد	تعداد دهستان: ۱۲۲
تعداد شهر: ۵۳	

Source: (Statistics Center of Iran)

طبق آخرین سرشماری نفوس ۱۳۹۵ جمعیت این استان حدود سه میلیون و دویست و هشتاد هزار و پانصد و هشتاد و دو نفر است. مردم مازندران به زبان مازندرانی یا زبان تبری و فارسی سخن می‌گویند. در بهشهر، تنکابن، ساری و قائم‌شهر و روستاهای نکا ترک‌ها و آذری‌ها ساکن هستند. در روستای چهار قلعه بهشهر کردها و لک‌ها زندگی می‌کنند، همچنین لرها در ساری و نور، کردها در ساری، روستای رینه آمل (لاریجان)، نور، نوشهر و تنکابن سکونت دارند. عرب‌ها نیز در بهشهر و بابل زندگی می‌کنند. آب و هوای این استان را با توجه به خصوصیات دما و بارش، می‌توان به دو نوع معتدل دریایی و مرطوب کوهستانی (معتدل و سرد) تقسیم کرد. استان مازندران به دلیل موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و جنس خاک از پوشش گیاهی متنوعی از قبیل جنگل انبوه، چمنزار و استپ

برخوردار است. مجاورت دریای مازندران و رشته کوه‌های البرز سبب شده است که به تبعیت از آب و هوا در دامنه شمالی البرز از خط ساحلی دریای مازندران تا قتل مرتفع، بر حسب افزایش ارتفاع، پوشش گیاهی متنوعی به صورت نوارهای مشخص به وجود آیند. امتداد کوه‌های البرز در جنوب، نزدیکی به دریا و پوشش گیاهی از دلایل اصلی تعدیل آب و هوای این منطقه است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت استان مازندران بالغ بر ۳۰۷۳۹۴۳ نفر است که تقریباً ۱/۴ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد. از این تعداد ۲/۵۰ درصد را مردان و ۸/۴۹ درصد را آن را زنان تشکیل می‌دهند. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ این استان ۳۰۷۳۹۴۳ نفر جمعیت داشته است. بر اساس نتایج همین سرشماری، جمعیت شهرستان‌های استان مازندران به شرح زیر است.

جدول ۲: اطلاعات جمعیتی استان مازندران

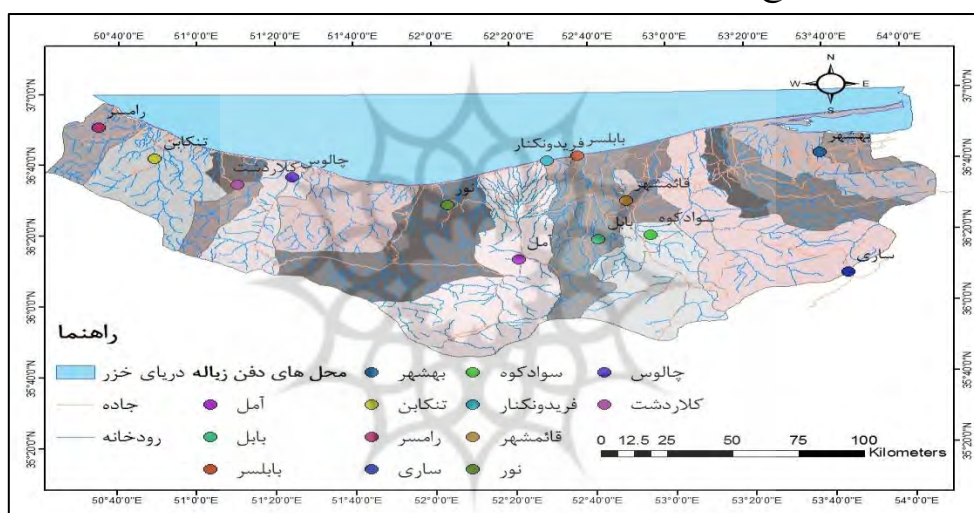
نام شهرستان	جمعیت شهری	جمعیت روستایی
آمل	۲۲۲۰۶۶	۱۴۸۷۰۸
بابل	۲۶۱۷۳۳	۲۳۳۷۳۹
بابلسر	۶۱۹۸۴	۶۲۳۳۴
بهشهر	۱۱۰۹۴۸	۴۴۳۰۲
تنکابن	۷۰۵۲۳	۸۳۴۱۷
جویبار	۳۱۱۸۳	۴۲۳۷۱
چالوس	۶۲۷۹۲	۵۹۹۴۴
رامسر	۵۱۲۵۶	۱۷۰۶۷
ساری	۲۹۹۵۲۶	۱۷۸۸۴۴
سوادکوه	۳۲۳۹۰	۳۱۹۸۸
عباس‌آباد	۲۶۱۷۹	۲۱۴۱۲
فریدون‌کنار	۳۶۱۹۲	۲۱۷۸۸
قائم‌شهر	۲۰۳۷۴۱	۱۱۷۰۰۰
گلوگاه	۱۹۶۲۵	۱۹۲۲۲
محمودآباد	۳۷۶۹۲	۵۸۳۲۷
میاندو رود	۸۹۳۰	۴۶۸۴۶
نکا	۵۰۶۸۰	۶۱۲۶۴
نور	۴۸۵۳۱	۶۰۷۵۰
نوشهر	۴۶۱۸۴	۸۲۴۶۳

Source: Statistics Center of Iran

مازندران از لحاظ طبیعی به سه قسمت اصلی کوهستانی در جنوب، میان بند در وسط و جلگه‌ای در شمال تقسیم می‌شود. شیب ناهمواری‌های آن از غرب به شرق به موازات دریای خزر است. رشته کوه البرز با رودهای کوچک و بزرگی که در امتداد شمالی - جنوبی آن جریان دارند به سه منطقه غربی، مرکزی و شرقی تقسیم شده است. پوشش گیاهی در این استان بیشتر به دو دسته جنگل و مرتع تقسیم می‌شود. از غرب تا شرق استان و از جلگه ساحلی تا ارتفاعات ۲۵۰۰ متری، جنگل‌های انبوه خزری، به صورت نواری دامنه شمالی البرز را فرا گرفته است بعد از آن تا ارتفاع ۲۵۰۰ متری درختان سوزنی برگ ظاهر می‌شوند. بالاتر از آن شرایط روبش محدود شده و پوشش گیاهی به چمنزار تبدیل می‌شود که در بهار و تابستان سبز است. از مجموع ۱۷ میلیون هکتار جنگل موجود در کشور، استان

مازندران ۵۳/۴ درصد سطح جنگل‌های شمال را به خود اختصاص داده است که ۵۶/۹ درصد این جنگل‌ها به صورت انبوه می‌باشند و ۵۸ درصد جنگل‌های استان از نوع تجاری و صنعتی هستند. مهم‌ترین درختان عبارت‌اند از: مازو، بلند، ممرز، انجیری، توسکا، زبان گنجشک، بلوط، افرا، شمشاد، نارون و راش است. چمنزارهای کوهستانی، گیاهان زیر جنگل و گیاهان استپی، مراتع استان را تشکیل می‌دهند. مراتع ییلاقی به صورت چمنزار در ارتفاعات البرز در بالای حد جنگل‌های سوزنی‌برگ گسترش دارند و در تابستان مورد استفاده دامداران می‌باشند.

در این استان جانورانی چون ببر، پلنگ، خرس، گرگ، گربه وحشی، روباه، خوک وحشی، بزکوهی، میش وجود دارد. پرندگانی شامل قرقاول، شاهین، اردک، قو، کبک، قمری، تیهو، کرکس هستند. از خزندگان مار و لاک پشت وجود دارد. در کناره‌های ساحلی انواع پرندگان مهاجر از جمله اردک، غاز، پلیکان در فصل سرد سال دیده می‌شود. در آبگیرها و رودهای استان انواع ماهی‌ها فراوان است.



نقشه ۲: تقسیمات سیاسی استان مازندران

Source: (<https://vilacheck.ir>)

یافته‌ها

بحران محیط زیست که امروزه به یک مسئله جدی و قابل تأمل بدل شده، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است که آن گستردگی و اهمیت موضوع، توجه دانشمندان را برای نجات آن برانگیخته است (Leutner and Weinsier, 1991). امروزه این خطر هست که انسان زمین سکونتگاه و کشت پذیر خود را به نابودی بکشاند. فعالیت‌های بشر بیش از پیش فرا می‌رود، او با خطاها و کاربرد نابجای نیروهای بخش‌های گسترده‌ای از جهان را ویران یا بی‌حاصل می‌گرداند (Lundrigan and Canter, 2001). همچنین آلودگی‌ها درون محدوده و مرزهای یک کشور باقی نمی‌مانند. ضایعات و آلودگی‌های یک کشور به آسانی در کشور همسایه مشکل ایجاد می‌کنند، این حالت خصوصاً در مورد آلودگی آب و هوا مشهود است؛ بنابراین، گفتگوهای عمومی در مورد برنامه‌های حفاظت از محیط زیست بر جنبه بین‌المللی آن‌ها تأکید کرده‌اند (Malhotra, 1987).

در اواخر قرن بیستم، مسائل زیست محیطی جایگاه والایی در دستور کار اجلاس بین‌المللی یافته و اذهان رهبران سیاسی، مقامات دولتی، دانشمندان، کارشناسان صنعتی و دیگر افرادی که به نوعی با این گونه امور ارتباط داشتند را به خود معطوف نمود (Shye, 1998). متأسفانه با رشد سریع جمعیت و پیشرفت علم و صنعت اوضاع دگرگون شد. کران تا کران دنیا شاهد تخریب گسترده محیط زیست و بهره‌جویی‌هایی پایان‌ناپذیر گشت، از این رو در اواخر قرن بیستم جهان و جهانیان پیامدهای ناگوار آن را به چشم دیدند (Maslovaty and Kuzi, 2002).

مروری بر تاریخچه محیط زیست

در سال ۱۹۱۳ برای اولین بار کنفرانس بین‌المللی حفاظت منابع طبیعی تشکیل شد و پس از ۳۵ سال ۱۹۴۸ انجمن بین‌المللی حفاظت منابع طبیعی^۱ تشکیل شد و از آن زمان تاکنون هر ساله کنفرانس‌هایی در سطح قاره‌ای و جهانی به منظور تعیین خط‌مشی و سیاست‌های مشترک جهت حفاظت منابع طبیعی کشورها تشکیل می‌شود (Maslovaty Etal, 2001).

آنچه امروز به فلسفه یا نگاه «محیط‌زیستی» معروف شده سابقه چندان طولانی ندارد. جدیدترین نشانه‌های طرفداری از محیط زیست را می‌توان در دهه هفتم قرن گذشته میلادی مشاهده کرد (Simon-Brown, 2004). در این کنفرانس سران کشورها اصولی را در زمینه سیاست زیست محیطی به شرح زیر اتخاذ کردند:

- بهتر بودن سیاست زیست محیطی، جلوگیری از آلودگی است تا درمان بیماری (Shye Etal, 1994).
- سیاست محیط زیست باید با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی سازگار باشد
- تصمیمات مربوط به حفاظت محیط زیست باید در اولین مرحله ممکن در تمام برنامه‌ریزی‌های فنی اتخاذ شوند (Summers. and Mackay, 1976).

- بهره‌برداری از منابع طبیعی به گونه‌ای که خسارت زیادی به توازن اکولوژیکی وارد می‌کند، باید ممنوع شود
- تحقیق در زمینه حفظ و بهبود محیط زیست باید صورت گیرد (Oughton, 2003).
- اصل پرداخت‌های آلوده‌گر، باید در برنامه‌های حفاظت محیط زیست به کار گرفته شود
- هر دولت عضو باید مراقب باشد تا مشکلات زیست محیطی برای کشورهای دیگر ایجاد نکند
- منافع کشورهای در حال توسعه در سیاست‌های زیست محیطی باید مورد توجه قرار گیرد
- اتحادیه باید صدای خود را به گوش مجامع بین‌المللی محیط زیست برساند (Schultz Etal, 2005).
- برای هر نوع آلودگی باید مقدار خاص و سیاست‌های ویژه‌ای وجود داشته باشد
- مشکلات زیست محیطی نباید به مدت طولانی توسط کشورهای معدودی انجام شوند (Siu and Leung, 1999).
- یک سال بعد، اتحادیه اولین برنامه عملیاتی خود را تدوین کرد که سه نکته مهم را به شرح ذیل در پی داشت:
- کاهش و جلوگیری از آلودگی و دیگر مزاحمت‌ها (Silva, 2001).
- بهبود محیط زیست و کیفیت زندگی

^۱. IUCN

- همکاری متقابل درون اتحادیه و به صورت سازمان‌های بین‌المللی مسئول محیط زیست (Rodgers, 1991).

تاریخچه حفاظت از محیط زیست در ایران

حفاظت از طبیعت در کشورهای با تاریخ کهن (نظیر ایران، رم و یونان) سابقه دیرینه دارد. تاریخ ایران باستان نشان می‌دهد پادشاهان مردم را به کشت گیاهان تزئینی ترغیب می‌کردند.

ایرانیان باستان مقام خاصی برای درخت سرو قائل بودند و آن را درخت مینو می‌دانستند که از بهشت آمده است. چنار نیز محبوبیت فراوانی بین ایرانیان باستان داشت.

پادشاهان هخامنشی از جنگل‌ها حفاظت کرده و برای این منظور جنگل‌بان منصوب می‌کردند به عبارتی ایرانیان اولین قومی بودند که سازمان جنگلداری داشتند. کورش و داریوش حتی خود در روز درختکاری شرکت کرده و درخت می‌کاشت و از آنجایی که موقعیت اجتماعی افراد با میزان اموال و تعداد احشامشان سنجیده می‌شد برای نگهداری دام‌ها مراتع را به خوبی حفظ می‌کردند. خشایار شاه در لشکرکشی خود به آسیای صغیر حفاظت از جنگل سرو زیبای خود را به گارد سلطنتی سپرد و با این عمل اولین منطقه حفاظت شده دنیا را در چند صد سال قبل از میلاد مسیح (حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد) ایجاد کرد.

ایرانیان حفاظت و جلوگیری از آلودگی عناصر چهارگانه آب، خاک، آتش و باد را مورد توجه قرار داده و در این مورد قوانینی نیز تدوین کردند (1 Collection of environmental laws and regulations).

وضعیت کنونی محیط زیست

بحران محیط زیست که امروزه به یک مسئله جدی و قابل تأمل بدل شده، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است که آن گستردگی و اهمیت موضوع، توجه دانشمندان را برای نجات آن برانگیخته است (Papli Yazdi et al. 2002).

امروزه این خطر هست که انسان زمین سکونتگاه و کشت‌پذیر خود را به نابودی بکشاند. فعالیت‌های بشر بیش از پیش فرا می‌رود، او با خطاها و کاربرد نابجای نیروهای بخش‌های گسترده‌ای از جهان را ویران یا بی‌حاصل می‌گرداند (Rowlin, 2005). همچنین آلودگی‌ها درون محدوده و مرزهای یک کشور باقی نمی‌مانند. ضایعات و آلودگی‌های یک کشور به آسانی در کشور همسایه مشکل ایجاد می‌کنند، این حالت خصوصاً در مورد آلودگی آب و هوا مشهود است (Abedi Sarvestani and Shah Vali, 2009).

توسعه فزاینده صنعت و تکنولوژی، آسایش و رفاه را برای بشر به دنبال داشت، ولی زندگی انسان را با دشواری‌هایی نیز روبه‌رو کرد و نتیجه‌های نامطلوبی در پی داشت که یکی از آنها، مربوط به آلودگی و تخریب محیط زیست است. ساخت و به کارگیری انواع صنایع، دستگاه‌ها و خودروهای دودزا و ایجادکننده فاضلاب و پساب خطرناک، از نتایج زندگی ماشینی بشر در دهه‌های اخیر است (Abedi Sarvestani and Shah Vali, 2008). اگر انواع آلودگی‌های آب، خاک، شیمیایی، هسته‌ای و رادیواکتیو و نیز تخریب جنگل‌ها و مرتع‌ها را در سراسر جهان اضافه

کنیم، بحران محیط زیست، بیش از پیش خودنمایی می‌کند. در این میان، افزایش سریع جمعیت جهان و نقش آن در دامن زدن هرچه بیشتر به آلودگی و تخریب محیط زیست را نباید فراموش کرد (Abedi Sarvestani, 2008). بنا به آمارهای سازمان ملل متحد، حدود ۹۸ درصد دی‌اکسید کربن و دیگر گازهای زیان‌بار جو، مربوط به کشورهای صنعتی و فقط ۲ درصد آن، سهم کشورهای جهان سوم است. در این راستا، در کمتر از دو قرن، با مصرف سوخت‌های فسیلی و نابود شدن جنگل‌ها، مقدار کل دی‌اکسید کربن در اتمسفر، به میزان ۲۵ درصد بالا رفته است (Abedi Sarvestani et al. 2007).

تغییرات ایجاد شده در جو سبب تغییر الگوهای آب و هوا در سطح کره زمین و پیدایش انواع توفان‌ها و گردبادهای بی‌سابقه می‌شود که هر سال، خسارت‌های زیادی در نقاط مختلف جهان بر جای می‌گذارد. کشورهای جهان سوم درصدد جبران خسارت‌های پدید آمده از گازهای گلخانه‌ای هستند و به دلیل تنگناهای مالی، تاکنون نتوانسته‌اند آن را جبران کنند. علت بسیاری از مرگ‌ومیرهای سال‌های اخیر به علت توفان‌ها و سیلاب‌ها، پدیده خشک‌سالی و سرماهای ناگهانی در آسیا و آفریقا و صدها نوع آفت گیاهی که محصولات غذایی انسان‌های تهی‌دست را از بین می‌برد، پدیده گازهای گلخانه‌ای است (Mardia et al. 1997).

توسعه فناوری قدرتی به بشر اعطا نموده که به موجب آن توانایی ایجاد تغییرات قابل ملاحظه‌ای در محیط زیست خود را به دست آورده است. توسعه اقتصادی کشورها که با اتکا بر قدرت فناوری صورت گرفته، معمولاً در مراحل ابتدایی خود به ملاحظات و تأثیرات محیط زیست بی‌توجه شده و به همین علت صدمات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری را نظیر تغییرات آب‌وهوایی و به خطر افتادن سلامتی جانداران و انواع آلودگی‌ها را در سیاره ما به همراه داشته است. سازمان حفاظت محیط زیست، متولی مستقیم امر محیط‌زیست در ایران است (Abaidoo, 1997). مهم‌ترین اهداف این سازمان اقداماتی مثل تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیط‌زیست و تضمین بهره‌مندی درست و مستمر از آن و حفاظت از تنوع زیستی کشور است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف این سازمان را پیشگیری و ممانعت از آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، می‌داند (Abedi-Sarvestani and Shahvali, 2008a).

در کنار سازمان‌های دولتی، سازمان‌های خودجوش غیر دولتی به وجود آمده‌اند که در حفظ محیط زیست تلاش می‌کنند، از جمله NGOهای زیست محیطی، رشد کمی خوبی داشته‌اند؛ اما رشد کیفی این تشکلهای توانسته است چون رشد کمی آن‌ها منحنی رو به بالایی داشته باشد که باید مورد بررسی قرار گیرد (Abedi-Sarvestani and Shahvali, 2008b). عدم وابستگی به بودجه دولتی و ایجاد بسترهای مناسب برای توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد، دادن آزادی عمل به آن‌ها برای فعالیت‌های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و به رسمیت شناختن سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نهادهای غیردولتی و غیرسیاسی، می‌تواند تشکلهای زیست محیطی را به مهم‌ترین اهرم‌های اجرایی در رفع مشکلات زیست محیطی جامعه بدل کند. این سازمان‌های مردم‌نهاد، برای فعالیت می‌توانند

در سازمان محیط‌زیست یا وزارت کشور یا سازمان ملی جوانان به ثبت برسند. یکی از بهترین شیوه‌های و راهکارها در راستای کاستن از این معضلات که زندگی آینده بشر را به شدت تهدید می‌کند بازگشت به طبیعت و الهام از آن در برنامه‌ریزی زندگی انسان‌ها است (Burton, 1972)

در جهان و زمانه‌ای که بی‌ضررترین و پاک‌ترین فناوری‌ها و پیچیده‌ترین تحقیقات به تنهایی نمی‌تواند جامعه را در درازمدت به سمت توسعه پایدار سوق دهد، بهترین راه‌حل بهره‌گیری از اخلاق زیست‌محیطی است. اخلاق زیست‌محیطی به طور کلی به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که رعایت آن‌ها در تولید، مصرف و دیگر شئون زندگی منجر به کمترین ضایعات و صدمات زیست‌محیطی می‌گردد، ضمن اینکه اساس زندگی را با مشکل مواجه نمی‌سازد. بر اساس این رویکرد نوعی از برنامه‌ریزی و طراحی مدنظر است که در آن به چرخه طبیعی حیات توجه شده و بر استفاده از وسایلی که طبیعت در اختیار انسان نهاده، مبتنی باشد (Carroll and Chang, 1970)

الگو گرفتن از نحوه شناخت و ارتباط انسان‌ها با محیط پیرامون خود در گذشته، پرداختن به نوعی تولید که زباله و ضایعات ناشی از آن نه تنها به محیط زیست صدمه نزند، بلکه در خدمت سایر سیستم‌ها قرار گیرد، توجه به انرژی خورشیدی و تنوع زیستی، چارچوب مفهومی توسعه پایدار در پرتو اخلاق زیست‌محیطی را تشکیل می‌دهد. در همین راستا در سال ۱۹۹۶ ویلیام مک دونو و همکارانش به منظور ارائه‌ی معیارهای اخلاقی برای طراحی پایدار اصولی را تحت عنوان اصول‌هانوور ارائه دادند. مک دونو و همکاران او تأکید می‌کنند به جای اینکه بر یک دید مثبت از نقش علم اصرار ورزیم، باید محدودیت‌های قوه ابتکار و نبوغ انسان را بپذیریم (Carroll, 1972). راه حل‌های ارائه شده، زمانی مؤثر خواهد بود که نوع بشر کوشش خود را برای تسلط بر طبیعت متوقف کند و به جای آن به طبیعت به عنوان یک مدل نگاه کند. اصول‌هانوور شامل موارد زیر است: ۱- بر حقوق بشریت و طبیعت که در شرایطی سالم، حمایتی، متنوع و پایدار با یکدیگر همزیستی کنند، پافشاری شود. ۲- روابط متقابل به رسمیت شناخته شود. عناصر طراحی انسانی با جهان طبیعی در تعامل و وابستگی است. ملاحظات طراحی برای شناخت حتی تأثیرات جانبی دور، بسط داده شود. ۳- احترام مابین ماده و روح محترم نگاشته شود و به پیوستگی موجود و آتی بین آگاهی مادی و معنوی اشیا و مکان‌ها توجه شود. ۴- مسئولیت عواقب تصمیمات طراحی در زمینه سعادت و زیست‌پذیری سیستم‌های طبیعی و همزیستی مورد پذیرش قرار گیرد. ۵- اشیا برای مصرف طولانی ایجاد گردد تا به نسل‌های آینده مشکلات ناشی از عدم توجه به کیفیت محصولات، فرایندها یا استانداردها تحمیل نگردد (Collins, 1980).

۶- مفهوم زباله‌ها یا ضایعات حذف گردد. چرخه زندگی کامل تولیدات و فرایندها با الگو گرفتن از سیستم‌های طبیعی که در آن هیچ‌چیز باطل و زائد وجود ندارد، بهینه و ارزیابی گردد. ۷- بر منابع انرژی طبیعی تکیه شود جهان بشری باید مانند جهان زنده نیروی ابدی خود را از نیروی ابدی خورشید دریافت کند و این انرژی را به طور مؤثر و ایمن برای استفاده مسئولانه به کار برد. ۸- محدودیت‌ها طراحی مورد پذیرش قرار گیرد. هیچ‌چیز ساخته دست بشر برای همیشه نمی‌پاید و طراحی همه مشکلات را حل نمی‌کند. کسانی که برنامه‌ریزی می‌کنند یا چیزی را می‌سازند،

باید در مقابل طبیعت فروتن و متواضع باشند و طبیعت را به مثابه یک مدل و ناصح و مرشد بپذیرند و نه به عنوان یک اسباب زحمت که باید آن را از سر باز یا کنترل کرد (Correa Etal.1993).

۹-به وسیله سهم شدن در علم و دانش، پیشرفت دائمی جستجو گردد و ارتباط باز و گسترده بین همکاران، مشتریان، سازندگان و استفاده کنندگان تشویق شود. این ویژگی مسئولیت اخلاقی را برای توسعه پایدار تقویت و امکان ایجاد ارتباط بین فرایند طبیعی و فعالیت انسانی را فراهم خواهد کرد (De Pau la and Cavalcant, 2000).

از اصلی ترین عوامل از بین رفتن و تخریب زیست بومها می توان به سوزاندن و قطع درختان به منظور تهیه زغال و هیزم، قطع درختان برای تولید الوار و مصالح ساختمانی و صنعتی و گسترش بی رویه شهرها و کارخانه ها اشاره کرد. افزایش جمعیت و تغییر سبک زندگی از زمان انقلاب صنعتی مهم ترین عامل برای دست اندازی به طبیعت و تخریب محیط زیست بوده است. کاهش کیفیت خاک در ۲۵ سال آبی می تواند تولید غذای جهانی را تا حدود ۱۲ درصد کاهش دهد؛ این امر ممکن است باعث رشد ۳۰ درصدی قیمت جهانی غذا شود. از بین رفتن صخره های مرجانی به دلیل ورود مواد شیمیایی مضر، دفع فاضلاب های خطرناک در دریا، افزایش دمای آب و صید بی رویه، تعداد ماهیگیران و قایق های ماهیگیری را کاهش خواهد داد (Donald and Cooper, 2001). جنگل زدایی و تخریب جنگل ها بر اکوسیستم جنگل، منابع آب شیرین جنگل، کیفیت آب و معیشت مردمی که در جنگل ها زندگی می کنند، اثرات منفی می گذارد. افزایش آلودگی آب ها، دسترسی به آب شیرین را تحت تأثیر قرار داده و منجر به آلودگی منابع غذایی و تخریب اکوسیستم ها می شود و بدین ترتیب پیامدهای نامطلوب فراوانی بر سلامت بشر دارد.

اخلاق محیط زیست به رابطه اخلاقی بین نوع بشر با طبیعت اطراف خود مربوط است. فرهنگ ایرانی - اسلامی ما در لزوم توجه به طبیعت، توصیه های مؤکدی دارد. در سطح جهانی نیز بعد از انقلاب صنعتی و به دنبال آگاهی بشر از تأثیرات فناوری، صنعت، توسعه اقتصادی و رشد جمعیت بر روی محیط زیست، توجه بیشتری به مقوله حفاظت از محیط پیرامون شد. همه نسبت به آینده سیاهی که در پی تخریب محیط پیرامون در کمین آدمی است، هشدار دادند. دو کتاب بهار خاموش و بمب جمعیت، به دنبال توجه گسترده به مسائل محیط زیست در دهه ۶۰ میلادی به نگارش درآمدند که با استقبال زیادی مواجه شدند (Dunlap and Van Liere, 1978). باید گفت که اخلاق زیست محیطی، حال نگر و آینده نگر است. چرا که علاوه بر امروز، نسل های فردا را نیز مورد توجه قرار می دهد. این همان موضوعی است که اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تأکید می کند. این اصل مقرر می کند: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است (Garson, 2007).

در حوزه اخلاق محیط زیست، گزاره های اخلاقی در حمایت از محیط زیست بیان می شود که وجدان بیدار، خود را ملتزم به رعایت آن ها می کند. آنچه در این حوزه بیان می شود، از جنس حسن و قبح است؛ اما از آنجا که ضمانت اجرای خارجی و ملموسی برای آن ها وجود ندارد، نمی تواند حامی تمام عیاری برای طبیعت باشد. درست همین

جاست که پای حقوق به میان می‌آید. قانون برای حمایت از محیط زیست شروع به وضع باید‌ها و نبایدهایی می‌کند و نهادهایی را برای نظارت بر اجرای این تکالیف و حقوق پیش‌بینی می‌کند و از سوی دیگر با پیش‌بینی مکانیسم‌های بازدارنده‌ای که اغلب از جنس مجازات هستند، سعی می‌کند اجرای کامل آن را تضمین کند. بدین ترتیب بسیاری از گزاره‌های اخلاقی شکل باید و نباید می‌گیرد و لباس قانون به تن می‌کند و نقش جدی‌تری برای حفاظت از زیست‌بوم آدمی بازی می‌کند (Hatcher, 2004).

بی‌شک برای بقای بشر باید به حفاظت از محیط زیست اندیشید. اصطلاح محیط زیست در هیچ یک از کنوانسیون‌ها، معاهدات و بیانیه‌های مهم بین‌المللی تعریف نشده، اما با نگاهی کلی می‌توان گفت محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و زیباشناختی اطلاق می‌شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است (Hernandez 2000). اغلب فاجعه‌های زیست‌محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار این دنیای پهناور رخ می‌دهد، حاصل فعالیت‌هایی است که بشر به ویژه از صد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرایند صنعتی شدن به آن‌ها دست یازیده و همگی باعث تخریب و آلودگی محیط زیست می‌شود. مدت‌هاست که علاج این گونه نابسامانی‌ها که سلامتی بشر را به خطر انداخته، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشست‌های بین‌المللی متعددی را شکل داده است. امروزه بسیاری از کشورها، به سوی توسعه پایدار گام برداشته‌اند. لازمه هر توسعه پایدار برآوردن نیازهای نسل فعلی است، بی‌آنکه به زیان رساندن به توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازها انجامد (Kortenkamp and Moore, 2001).

ج- از نظر اسلام محیط زیست عطیه‌ای الهی است که به عنوان بخشی از نظام خلقت در اختیار انسان قرار گرفته است تا او بتواند در پرتو آن مسیر تعالی و کمال خود را بی‌یابد. اهمیت این مسأله تا بدانجاست که بخشی از سوگندهای قرآنی اختصاص به شگفتی‌های محیط زیست مانند خورشید، ماه، زمین، آسمان، شب، روز و... پیدا کرده است که در سنت و فرهنگ محیط نزول وحی بی‌سابقه بوده است. به این آیات بنگرید: وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱) وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵) وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (Shams, 1-7).

در این میان بر خلاف تفکر علمی که بخشی از طبیعت را موجودی بی‌جان و بدون روح معرفی می‌کند، قرآن طبیعت و محیط زیست انسانی را موجودی زنده و دارای روح می‌داند که تسبیح گوی خداست. يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (Jomeh, 1) بر این اساس می‌توان تصور کرد که عامل مشترک میان انسان و طبیعت، زنده و صاحب روح بودن انسان و طبیعت است که این مسئله می‌تواند رابطه میان انسان و محیط زیست را از سویی و تأثیر و تأثر پذیری آن‌ها را از سوی دیگر نشان دهد. البته این که این رابطه چه نوع رابطه‌ای است را می‌توان از قرآن نشان داد. در آیه اَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (Loghman: 20) انسان مسخر بر محیط زیست نشان داده شده است. در واقع این آیه گویای این حقیقت است که رابطه میان

انسان و طبیعت از نوع رابطه تسخیری است؛ اما در بخش های دیگر قرآن آیاتی وجود دارد که نشان می دهد مسخر بودن انسان بر طبیعت مطلق نیست تا انسان قادر باشد از آن سوء استفاده کند. آیاتی نظیر *أَتَبِعْتُمْ فِرْعَوْنَ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (Taha: 78)* یا *فَأَخَذْنَا هَذِهِمُ وَقَوْمَهُمْ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (Dhariyat: 40)* و یا *سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَایِئَةً أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعِجَازٌ نَخَلٍ خَاوِيَةٍ (Haqqa: 7)* اینها نشان می دهد که آنجایی که انسان از نظام توحیدی تبعیت نکرده است و در این عطیه الهی به خدا خیانت کرده است، محیط زیست بر او غلبه کرده و مسخر بر انسان شده و انسان را به کام مرگ فرو برده است. تعبیر *فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ* یا *فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ* در ماجرای فرعون و یا تعبیر *سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَایِئَةً أَيَّامٍ حُسُومًا* در ماجرای قوم عاد، گویای خشم طبیعت در برابر انسان است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که انسان در برابر محیط زیست و محیط زیست در برابر انسان نقش دارد و برای رسیدن به حیات طیبه در محیط زیست یا برای رسیدن انسان به حیات طیبه می تواند عامل تأثیرگذار باشد؛ به عبارت دیگر محیط زیست سالم در گرو مسئولیت پذیری انسان در مواجهه با آن است، چنانچه انسان کامل شدن نیز در گرو محیط زیست سالم است.

بنابراین در اسلام متناسب با رابطه ای که میان انسان و طبیعت است، بر حفظ محیط زیست از سوی انسان تأکید شده است و هرگونه کاری که از سوی او باعث فساد طبیعت شود، نهی شده است؛ *الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (Al-Baqarah: 27)* تا آنجا که از فساد محیط زیست به عنوان تجاوز یاد شده و تعدی به آن از رحمت خدا دور تلقی شده است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (Maeda: 86)*.

اما برای فهم حقیقی رابطه میان انسان و طبیعت، مناسب است که به اصل دینی مالکیت حقیقی خدا توجه شود. *قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ (Younes, 31)* این آیه به اصل مالکیت حقیقی خدا اشاره دارد و بیان کرده است که هیچ کاری نمی تواند بدون اجازه خدا انجام گیرد. اگر انسان می خواهد تصرفی در محیط زیست داشته باشد، باید با اذن الهی باشد. چنانچه اگر طبیعت می خواهد تأثیری بر انسان داشته باشد، باید با اذن الهی باشد. ثمره این اصل، پرهیز از تصرفات لجام گسیخته انسان در قبال محیط زیست و تعهد نسبت به آن را به ارمغان می آورد. چنانچه تأثیر محیط زیست بر انسان را توجیه پذیر می کند.

تأثیر متقابل انسان و محیط زیست از نظر اسلام

از نظر اسلام، طبیعت و محیط زیست به اذن الهی در قبال عمل و نیت انسان واکنش نشان می دهد و متأثر می شود. مثلاً در آیه *وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (Jen: 16)* نشان داده است که استقامت در راه خدا موجب بهره مندی از آب فراوان می شود. یا در آیه *وَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَوَدَّعْهُ وَاسًّا (An'am: 141)* بیان شده است که بهره مندی از میوه درختان در صورت رعایت حقوق آن میسر است. همچنین در آیه *وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (Araf: 96)* ایمان و تقوای اهل شهرها و روستاها موجب گشایش درهای برکات آسمان و زمین به روی ایشان معرفی شده است. یا در آیه *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (Anfal: 29)* تقوا عامل برون رفت از مشکلات زیست

محیطی اشاره شده است. همین ادبیات در زبان روایی ما نیز دیده می‌شود. به عنوان نمونه در روایتی آمده است: یکی از اصحاب رسول خدا (ص) نزد وی از تنگدستی شکایت کرد حضرت فرمودند *أَدِمِ الطَّهَّارَةَ يَدُمُ عَلَيْكَ الرَّزْقَ فَعَلِ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ* (Baharalanwar, vol. 105, p. 16; Mustadrak al-Wasa'il, vol. 1, p. 300) در این روایت طهارت دائمی موجب ازدیاد روزی انسان اشاره شده است. نگاه سطحی به این فقره‌های قرآنی و روایی می‌تواند موجب کج فهمی و حتی انحراف شود، لیکن فهم دقیق نسبت به آن نشان می‌دهد که کسی که اهل کار و تلاش نیست، یا اهل کار و تلاش است، لیکن اهل تدبیر و برنامه‌ریزی برای تأمین معیشت خود و جامعه‌اش نیست، مصداق بی‌تقوایی و ناپاکی است و از شمول پیش‌بینی‌های آیات و روایت فوق خارج می‌شود؛ بنابراین اگر خدا در جایی تقوا را عامل برکت و ازدیاد مال برای زندگی انسان معرفی کرده است، به این دلیل است که انسان در کنار کوشش و تلاش خود، درخواست گره‌گشایی از خدا می‌کند (Javadi Amoli, 2009, 197 and 198).

وانگهی تأثیر محیط زیست بر انسان نیز از نگاه دین مورد توجه بوده است که به تناسب وضعیت و شرایط محیط زیست می‌تواند برای زندگی انسان سرنوشت‌ساز باشد. مثلاً آیه *وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ* (Araf: 58) اشاره می‌کند که ویژگی سرزمین پاک و طاهر این است که با فرمان خدا گیاه مثمر از آن می‌روید در حالی که زمین شوره چنین امتیازی ندارد. بر اساس منابع دینی این تأثیر نسبت به انسان نیز موضوعیت دارد و نوع آن هم می‌تواند ظاهری و مادی یا باطنی و معنوی باشد. مثلاً وضعیت سردسیر بودن یا گرمسیری بودن؛ کوبری بودن یا جنگلی بودن؛ کوهستانی بودن یا نبودن محیط زیست بر جسم و روان انسان تأثیر می‌گذارد. ابن سینا در کتاب قانون خود کوهستانی بودن محیط زیست را سبب چلاکی؛ دلیری؛ سلامتی و شادابی انسان و در مقابل پستی و فرومایی زمین را سبب بیماری و افسردگی ساکنان آن معرفی می‌کند (Ibn Sina, Law, translated by Abdul Rahman Sharafkandi, Book I, 213). یا ابن خلدون معتدل بودن محیط را سبب اعتدال در خلق و خوی مردم نشان داده است و از این مطلب استفاده کرده است که شرایط اعتدالی سرزمینی وحی موجب انتخاب وحی در این منطقه شده است. (Abd al-Rahman Muhammad ibn Khaldun, Introduction by Ibn Khaldun, 82-86).

در روایتی از امام علی (ع) پیرامون گلایه از جمعی از مردم بصره بعد از جنگ جمل آمده: *اخلاقكم دِقَاقٌ وَعَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ وَ مَاؤُكُمْ رُعَاقٌ* (Nahj al-Balaghah, Sermon 13) در این روایت آن حضرت ضمن معرفی برخی از بصریان به عنوان مردمی که اخلاقشان فرومایه، عهد و پیمانشان سست و راه و رسمشان منافقانه است، اشاره می‌کند که آب شهرشان شور است. یا در جای دیگر خطاب به همین مردم می‌فرماید: *بَلَادُكُمْ أَنْتَنُ بِلَادِ اللَّهِ تُرْبَةٌ أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَ أَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ وَ بِهَا تَسَعُهُ أَعْشَارُ الشَّرِّ*. در این روایت نیز حضرت خاک بصره را متعفن‌ترین خاک‌ها معرفی می‌فرماید و بر این اساس نه دهم از بدی‌ها را به این محیط نسبت می‌دهد. ذکر این نکات بر اساس حکمت بیان امام علیه السلام نشانگر تأثیر زیست محیطی بر اخلاق ایشان است. در قرآن آیه‌ای وجود دارد که وجود گیاهان و سبزه‌ها را مفرح معرفی کرده است. به عنوان نمونه آیه *وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ بَلَدٍ مِّنْ بَلَدِهِ*

(6: Nahl) باغ‌ها را ذات بهجت یعنی شادی آفرین برای انسان معرفی کرده است. در زبان احادیث نیز این مطلب گویا است. به عنوان نمونه در روایت امام رضا (ع) الطَّيِّبُ نُشْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ، وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ (Baharalanwar, J 76: 289) آن حضرت در کنار خوش بوی، عسل و سوارکاری که شادی بخش معرفی شده است، نگاه به سبزه را نیز باعث شادی و سرور برای انسان می‌داند.

باور دینی این است که محیط زیست فقط تأثیرات ظاهری بر انسان ندارد، بلکه تأثیرات باطنی و معنوی نیز بر انسان می‌گذارد. در این میان می‌توان به دو نمونه قرآنی اشاره کرد. مورد اول آب است. در ادبیات دینی آب اساس حیات است و در قرآن واژه ماء ۶۳ مرتبه بکار رفته است. آیه هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (Forqan: 48). اشاره دارد که خدا از آسمان آب طهور می‌فرستد. آب طهور یعنی آبی که بسیار پاکیزه است. در ادبیات دینی لقب مقدس به خود گرفته است تا آنجا که برای ورود انسان به آستان الهی و سخن گفتن با خدا باید با آب وضو بگیرد یا غسل کند. در روایتی امام صادق (ع) فرموده چهار چیز باعث روشنایی چشم می‌شود که از آن جمله آب است. (Bihar Al-Anwar, J 76: 289) گرچه منظور از روشنایی در این روایت می‌تواند ناظر به ظاهر و تقویت بینایی چشم باشد، لیکن از آن مهم‌تر موجبات انبساط روحی و شادی باطنی را فراهم می‌کند. نمونه دیگر دیگر خاک است. در ادبیات اسلامی خاک از قداست خاصی برخوردار است. در آیه قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهِيَ يُخَاوِرُهُ أَكْفَرْتُ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّأَكَ رَجُلًا (Kahf, 37) بر اهمیت خاک به عنوان عنصری برای پیدایش آدم اشاره شده است. یا آیه فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ (Table 6) بر جانشینی خاک به جای آب به عنوان عنصر پاک و مقدس که عامل طهارت معنوی در انسان می‌شود، تأکید شده است. این بیانات دینی گویای این حقیقت است که طبیعت همانند انسان گوهر گران‌بهایی است که نیاز به مراقبت دارد و انسان‌ها نمی‌توانند در این زمینه از خود سلب مسئولیت کنند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

کشور ایران نیز از بحران‌های زیست محیطی بی‌بهره نبوده است و استان خوزستان کانون این بحران‌هاست چرا که با داشتن آلودگی هوا، انتقال آب، آلودگی‌های ناشی از صنایع و کارخانجات متعدد و حتی انقراض برخی گونه‌های گیاهی و جانوری، نیاز به برخوردی خردمندانه و اخلاق مند با این بحران‌ها احساس می‌گردد. علاوه بر سازمان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد نیز باید آموزش‌های مبتنی بر حفظ محیط زیست را برای گروه‌های مختلف جامعه برگزار کنند که البته این مسئله نیاز به امکانات، تجهیزات و پشتیبانی مالی دارد و باید از طرف ارگان‌های دولتی مورد حمایت قرار گیرد چرا که بحران‌های زیست محیطی در هر مکانی که باشد ملی و گاه بین‌المللی تلقی شده و نیاز است که با آموزش مدون و اصولی جوامع محلی در کنار آموزش نیروی شاغل در کارخانجات صنعتی و تولیدی، اخلاق زیست محیطی در جامعه گسترش یابد تا حداقل کار برای حفظ محیط زیست خوزستان در سطح استان انجام گردد. افزایش بحران‌های زیست محیطی در قرن‌های اخیر موجب به خطر افتادن حیات انسان‌ها و موجودات زنده بر روی کره زمین گردیده است و این بحران‌ها به طور فزاینده‌ای رو به گسترش‌اند و می‌توانند منجر به حوادثی

غیرقابل جبران در تمام کره زمین گردند؛ بنابراین با وجود این مشکلات نیاز است که انسان کمی به خود بیاید و تعاملی سازنده و اخلاقی با محیط زیست در جهت حفظ آن برقرار کند. ذکر این نکته ضروری است که توجه به اخلاق زیست محیطی از دهه ۱۹۷۰ در جهان آغاز گردید که بی شک ناشی از توسعه فناوری، صنعت، رشد اقتصادی و رشد جمعیت و تأثیر این موارد بر محیط زیست است.

بر اساس نظر کارشناسان و متخصصان، اخلاق زیست محیطی شاخه‌ای از مطالعات است که تعاملات انسان با محیط غیرانسانی را از منظر اخلاقی بررسی می‌کند. این رویکرد بر این پایه استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت به صورت اخلاقی و خردمندانه درآید. لذا نیاز به آن در جوامع مختلف به شدت احساس می‌شود و باید علایق انسان نسبت به علایق سایر موجودات و طبیعت در تعادل باشد تا از آسیب‌های انسانی مصون بمانند. همچنین ارزش‌های اخلاقی مربوط به محیط زیست باید فراگیر و جهانی شود و از سوی همه جوامع و مکاتب پذیرفته گردد چرا که اگر رویکرد انسان نسبت به طبیعت اخلاق مند باشد، علاوه بر منافع زیست محیطی می‌تواند به منافع انسانی نیز گره بخورد و در واقع انسان به خود و اطرافیانش در جامعه ارج نهد؛ زیرا بحران‌های زیست محیطی در نهایت می‌تواند خود انسان را به نابودی و قهقرا بکشاند.

در جامعه ما، اصولاً اخلاقیات بیش از همه در حوزه جهان انسانی و جهان ماورایی تعریف شده است. در نظام آموزش اخلاقی ما، چه در الگوی سنت حوزوی و چه در نظام آموزشی مدرن یعنی مدرسه و دانشگاه دانش و بینشی نسبت به جهان جانداران، حیوانات و گیاهان و جهان مادی بی جان، آب و خاک و هوا و... داده نمی‌شود. به همین دلیل هم هست که بخش اعظمی از خرابی محیط زیست نتیجه طبیعی نظام اخلاقی جامعه ماست. در فرهنگ سنتی به واسطه اختلاط عمیق جهان اجتماعی با جهان طبیعی پیرامون، این نظم هنجاری و اخلاقی سنتی به گونه‌ای بود که نه تنها مراقب روابط انسانی بلکه مراقب روابط با جانداران و گیاهان نیز بود، زیرا به خوبی دریافته بود که زندگی در چرخه‌ای متشکل از همه این عناصر معنادار می‌شود و هرگونه آسیب به یکی از عناصر اصلی این چرخه یعنی گیاهان، آب، خاک، درختان، انسان‌ها و حیوانات اهلی منجر به اختلال در زندگی آن‌ها خواهند شد. لذا انسان سنتی در فرهنگ‌های سنتی که دانش بومی عمیقی داشتند و در منظومه شناختی و اخلاقی خودشان عمیقاً تمام وجوه محیط زیست را نیز وارد کرده بودند به گونه‌ای از اخلاقیات رسیده بود که تمام ابعاد جهان اجتماعی خودشان اعم از رابطه با آدم‌ها و سایر جانداران و حتی محیط مادی پیرامون و ماورا را در برداشته باشد. در الگوی جهان‌بینی سنتی، انسان در کنار سایر عناصر جهان یعنی جانور، گیاه، خاک و آب و هوا و... قرار داشت و روح کل جهان مراقب این ارتباط بود، لذا هر کدام از این عناصر در رابطه‌ای افقی موظف به حفظ و حمایت سایر عناصر بودند. در این نوع نگاهی افقی به عناصر هستی بود که انسانی سنتی طبیعت را به شیوه‌ای پایدار استفاده می‌کرد و هیچ‌گاه طبیعت را غارت و تخریب نمی‌کرد. در دوره جدید، نظام اخلاقی ما به دلیل سیطره الگوهای نوسازی آمرانه و تکنولوژی مدرن، جهان انسانی را نه در امتداد، بلکه در مافوق سایر ابعاد ممکن جهان پیرامونی یعنی جانوران، گیاهان، آب و خاک و هوا و... قرار داد. به گونه‌ای که سایر عناصر به خدمت گذاران انسانی تبدیل شدند و همه آن‌ها باید برای رفاه انسان جدید به

خدمت گرفته می‌شدند و این تفکر نردبانی، حتی در قالب نظریه تکامل وارد جهان انسانی هم شد. در نتیجه این نوع بینش بود که انسان مدرن، نه تنها جهان مادی و طبیعی پیرامون، بلکه جهان انسانی و سایر جوامع را به نفع جامعه خودی مورد استثمار و استعمار قرار داد. جامعه ایرانی که در طی بیش از هشت هزار سال تمدن یکجانشینی توانسته بود به گونه‌ای پایدار از منابع طبیعی پیرامونی خودش استفاده کند، به واسطه سیطره این نگاه جدید بود که طبیعت را دستمایه استعمار و استثمار الگوهای جدید حکمرانی و نظم سیاسی قرار داد. در نتیجه این روند، بالأخص در چهار دهه اخیر که هرگونه کارشناسی و دانش فنی جدید به بهانه‌های مصلحت و مداخله‌های بی‌حساب نیروهای قدرت، حذف شد، به مجموعه عظیمی از بحران‌های زیست محیطی منجر شد. به همین سبب هم هست که نه تنها بحران آب، بلکه بحران خاک، بحران انقراض گونه‌های حیوانی و گیاهی، بحران آلودگی هوا، بحران بیماری‌های اپیدمیکی انسانی و... را هم‌زمان داریم. به عبارت در شرایط فعلی، لازم است به جای صحبت از عرصه‌های بحران‌زده به دنبال عرصه‌های بدون بحران گشت، البته اگر جایی باقیمانده باشد؛ بنابراین فواید این رویکرد می‌تواند تأثیرات مثبتی بر طبیعت داشته باشد. از جمله فواید آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نگرش مناسب و اصولی به محیط زیست: نگرش مناسب می‌تواند منجر به تغییر رفتار انسان در طبیعت گردد و دیدگاه انسان را از فاتح طبیعت به محافظ آن تغییر دهد.

- تبیین وظیفه انسان نسبت به محیط زیست: انسان نسبت به محیط زیست وظیفه‌ای غیرقابل انکار دارد که باید بر اساس فاکتورهای حفظ طبیعت و توجه به حق حیات جانداران باشد.

- ایجاد تعامل سازگار با محیط زیست: اخلاق انسان‌ها را در مقام کارگزار طبیعت می‌داند و برای او در پایداری طبیعت و حفظ آن برای نسل‌های آینده مسئولیت اتخاذ می‌کند.

شایان ذکر است که چگونگی رفتار انسان با محیط زیست بیش از آنکه بر زندگی امروز انسان تأثیر گذارد روی زندگی آیندگان تأثیرگذار خواهد بود؛ بنابراین لازم است تا دولت‌ها بر اساس یک برنامه‌ریزی مدون در جامعه، آموزش اخلاق زیست محیطی را گسترش دهند تا همه افراد و گروه‌های سنی مختلف به اهمیت این مسئله پی ببرند.

البته در ادیان مختلف نیز از جمله اسلام آموزش‌هایی در این زمینه ارائه شده است؛ برای مثال در اخلاق اسلامی دستورات و توصیه‌های فراوانی در حفاظت از محیط زیست و بهسازی آن آمده است. اسراف و بهره‌برداری درست از منابع طبیعی، اجازه استفاده از زمین به شرط احیا، منع از قطع درختان میوه‌دار و منع استفاده از مواد آلاینده محیط زیست حتی در جنگ‌ها نمونه‌هایی از آن است.

References

1. Papli Yazdi, Mohammad. Hossein and Mehdi Saghaei (2002), Tradition, Modernity, Reading an Article: Geography consists of human interaction, technology, management and environment. Quarterly Journal of Geographical Research, Vol[In persian]
2. Rowlin, B. (2005), Being aware, the criterion of moral value, in: Bio-environmental ethics, translation: Fatemeh Valiani, Volume 1, Editor: Louis P. Poiman, Tehran: Development Publishing, 432.

3. Abedi Sarvestani, Ahmad and Mansour Shah Vali (2009), The Role of Agricultural Promotion in Promoting Bio-Environmental Ethics of Farmers, *Journal of Ethics in Science and Technology*, Vol. 4, No. 1, pp. 120-130. [In persian]
4. Abedi Sarvestani, Ahmad and Mansour Shah Vali (2008), The Necessity and Characteristics of Research in Bio-Environmental Ethics, *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Vol. 3, No. 3 and 4, pp. 56. [In persian]
5. Abedi Sarvestani, Ahmad (2008), Explaining the theory of bio-environmental ethics of students and professors of Shiraz University with the theory of procedures, doctoral dissertation, supervisor, Dr. Mansour Shah Vali, Department of Agricultural Extension and Education, Shiraz University. [In persian]
6. Abedi Sarvestani, Ahmad, Mansour Shah Vali and Seyed Mostafa Mohaghegh Damad (2007), The Nature and Perspectives of Bio-Environmental Ethics with Emphasis on the Islamic Perspective, *Journal of Ethics in Science and Technology*, Vol. [In persian]
7. Mardia, K, Kent, J, Baby, J, Translation: Mohammad Mehdi Tabatabai (1997), *Multivariate Analysis*. Tehran: University Publishing Center [In persian]
8. Abaidoo, S. (1997); *Human-Nature Interaction and the Modern Agricultural Regime: Agricultural Practices and Environmental Ethics*. PhD Dissertation, Dept. of Sociology, University of Saskatchewan, Canada.
9. Abedi-Sarvestani, A. and Shahvali, M. (2008a); Ecology and ethics: Some relationships for nature conservation. *Journal of Applied Sciences*, 8(4): 715-718.
10. Abedi-Sarvestani, A. and Shahvali, M. (2008b); Environmental ethics: Toward an Islamic perspective. *American-Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Sciences*, 3(1): 609-617.
11. Burton, M. (1972); Semantic dimensions of occupation names. In: R. N. Shepard, A. K. Romney and S. B. Nerlove (editors), *Multidimensional Scaling: Theory and Applications in the Behavioral Sciences (Vol.1)*. (pp.55-71). New York: Seminar Press.
12. Carroll, J. D and Chang, J. J. (1970); Analysis of individual differences in multidimensional scaling via an N-way generalization of "Eckart-Young" decomposition. *Psychometrica*, 35: 283-319.
13. Carroll, J. D. (1972); Individual differences and multidimensional scaling. In: R. N. Shepard, A. K. Romney and S. B. Nerlove (editors), *Multidimensional Scaling: Theory and Applications in the Behavioral Sciences (Vol.1)*. (pp.105-155). New York: Seminar Press.
14. Collins, A. J. (1980); *Introduction to Multivariate Analysis*. New York: Chapman and Hall.
15. Correa, A. D; Diaz, J. Suarez, E. and Hernandez, B. (1993); Multidimensional scaling reliability in similarity judgments about environmental sentences. *Quality & Quantity*, 27: 201-209.
16. De Pau la, G. O. and Cavalcant, R. N. (2000); Ethics: Essence for sustainability. *Journal of Cleaner Production*, 8: 109-117.
17. Donald, I. and Cooper, S. (2001); A facet approach to extending the normative component of the theory of reasoned action. *British Journal of Social Psychology*, 40: 599-624.
18. Dunlap, R. E. and Van Liere, K. D. (1978); A proposed measuring instrument and preliminary results: The new environmental paradigm. *Journal of Environmental Education*, 9: 10-19.
19. Garson, G. D. (2007); *Multidimensional Scaling*. Available at: <http://www2.chass.ncsu.edu>, Accessed: 15 October. 2007.
20. Hatcher, T. (2004); Environmental ethics as an alternative for evaluation theory in for-profit business contexts. *Evaluation and Program Planning*, 27: 357-363.
21. Hernandez, B. Suarez, E. Martinez-Torvisco, J. and Hess, S. (2000); The study of environmental beliefs by facet analysis, research in the Canary Islands, Spain. *Environment and Behavior*, 32(5): 612-636.
22. Kortenkamp, K. V. and Moore, C. F. (2001); Ecocentrism and anthropocentrism: Moral reasoning about ecological commons dilemmas. *Journal of Environmental Psychology*, 21: 261-272.

23. Kroemker D. and Mosler, H. J. (2002); Human vulnerability- factors influencing the implementation of prevention and protection measures: an agent based approach. In: K. Steininger and H. Weck-Hannemann (editors), *Global Environmental Change in Alpine Regions: Recognition, Impact, Adaptation and Mitigation*. (pp.93-112). Cheltenham: Edward Elgar.
24. Leutner, D. and Weinsier, P. D. (1991); The structure of student interest in computers and information technology: An application of facet theory and multidimensional scaling. *Multivariate Behavioral Research*, 26(4): 709-736.
25. Lundrigan, S. and Canter, D. (2001); A multivariate analysis of serial murderers' disposal site location choice. *Journal of Environmental Psychology*, 21: 423-432.
26. Malhotra, N. K. (1987); Validity and structural reliability of multidimensional scaling. *Journal of Marketing Research*, 24: 164-173.
27. Maslovaty, N. and Kuzi, E. (2002); Promoting motivational goals through alternative or traditional assessment. *Studies in Educational Evaluation*, 28: 199-222.
28. Maslovaty, N. Marshall, A. E. and Alkin, M. C. (2001); Teachers' perceptions structured through facet theory: Smallest space analysis versus factor analysis. *Educational and Psychological Measurement*, 61(1): 71-84.
29. Oughton, D. (2003); Protection of the environment from ionizing radiation: Ethical issues. *Journal of Environmental Radioactivity*, 66: 3-18.
30. Rodgers, J. L. (1991); Matrix and stimulus sample sizes in the weighted MDS model: Empirical metric recovery functions. *Applied Psychological Measurement*, 15(1): 71-77.
31. Schultz, P.W and Zelezny, L. (1999); Values as predictors of environmental attitudes: Evidence for consistency across 14 countries. *Journal of Environmental Psychology*, 19: 255- 265.
32. Schultz, P. W; Gouveia, V. V. Cameron, L. D. Tankha, G. Schmuck, P. and Franek, M. (2005); Values and their relationship to environmental concern and conservation behavior. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 36(4): 457-475.
33. Shye, S. Elizur, D. and Hoffman, M. (1994); *Introduction to Facet Theory*. London: Sage.
34. Shye, S. (1998); Modern facet theory: Content design and measurement in behavioral research. *European Journal of Psychological Assessment*, 14(2): 160-171.
35. Silva, D. L. (2001); The Buddhist attitude towards nature. In: Pojman L. P. (editor), *Environmental Ethics: Readings in Theory and Application* (pp. 256-260). London: Thompson and Learning.
36. Simon-Brown, V. (2004); Intelligent consumption: Addressing consumer responsibilities for natural resources and beyond. *Journal of Extension*, 42(5). Available at: <http://www.joe.org/joe/2004august/a1.shtml>.
37. Siu, O. L. and Leung, T. W. (1999); A comparative study on value of money among university students in China and Hong Kong: A facet approach. *Education Journal*, 27(2): 1- 20.
38. Stern, P. and Dietz, T. (1994); The value basis of environmental concern. *Journal of Social Issues*, 56: 121-145.
39. Summers, J. and Mackay, D. B. (1976); On the validity and reliability of direct similarity judgments. *Journal of Marketing Research*, 13: 289-295.
40. Thompson, S. and Barton, M. (1994); Ecocentric and anthropocentric attitudes toward the environment. *Journal of Environmental Psychology*, 14: 199-210

The role of ethics in environmental protection and sustainable geographical development: A case study of Mazandaran province

Hossein Rahmani Tirkalai*

Assistant Professor, Faculty of Payame Noor University

Abstract

The environment plays a vital role in sustaining human life and must be protected by all means. In Iran, legal solutions as well as coercive measures have not been able to prevent the destruction of the environment, so that the statistics show the worrying situation of environmental degradation in Iran. Mazandaran province is one of the richest environmental resources in Iran, but it is in a red situation in terms of environmental degradation. The main question of this article is whether moral frameworks can help protect the environment and sustainable geographical development in Mazandaran province? The method of this article is descriptive-analytical. The findings of the paper show that ethics and moral frameworks based on Islam and the Shiite religion and efforts to extract and teach the ethical teachings of environmental protection can guarantee internal performance to protect the environment. On the other hand, given the dominance of the development view of government policy and the concern for job creation and all-round economic development, the best way to protect the environment is to empower the people themselves by strengthening moral foundations.

Keywords: ethics, sustainable geographical development, Mazandaran province, environmental protection.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* . (Corresponding Author) rahmanitirkalai1391@yahoo.com